

رضایت‌مندی مردم از گذراندن اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان منطقه ده تهران)

فرزاد امامی^{۱*} و محمد مهدی لبیبی^۲

۱ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه آزاد تهران مرکز

۲ استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

*نویسنده مسئول

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین انگیزه‌های اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن آن در منطقه ده تهران می‌پردازد. روش پژوهش از منظر هدف در شاخه پژوهش‌های کاربردی، به لحاظ روش پژوهش از نوع توصیفی از نوع همبستگی به شمار می‌آید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنین منطقه ده تهران می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات برای پژوهش شامل دو روش کتابخانه‌ای و روش میدانی می‌باشد که در بخش میدانی ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. پرسشنامه مورد استفاده، از ترکیب پرسشنامه استاندارد انگیزه‌های اوقات فراغت برد و راغب (۱۹۸۳) و پرسشنامه استاندارد رضایت‌مندی از اوقات فراغت برد و راغب (۱۹۸۰) که روایی و پایایی آنها اندازه‌گیری و تایید گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن، با به‌کارگیری نرم افزارهای SPSS و AMOS استفاده گردید. نتایج حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت بود.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت، انگیزه‌های فکری، انگیزه‌های اجتناب/محرک، رضایت‌مندی.

مقدمه

امروزه به علت اهمیت و آثار سازنده و مثبتی که در نتیجه بهره‌وری مطلوب از اوقات فراغت در زمینه‌های مختلف وجود دارد، این امر مورد توجه خاص صاحب‌نظران و سیاستمداران به ویژه برنامه‌ریزان امور فرهنگی قرار گرفته و از طرف دیگر دید متفاوت انسان امروز به مقوله کار و فراغت، آن را به امری مهم تبدیل کرده، به نحوی که در برنامه‌ریزی دولت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به نظر دومازیه^۱، در قرن بیستم فراغت رفته رفته نه تنها به عنوان حق فرد بلکه به عنوان یک ارزش تثبیت شده است و احساس فقیر شدن هنگامی به افراد دست می‌دهد که در زمینه اوقات فراغت نیازها سریع‌تر از میزان رضامندی آن‌ها افزایش یابد (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۹۰).

دولت‌ها باید برای اوقات فراغت افراد امکاناتی را فراهم کنند، وگرنه افراد خود از طُرفی که ممکن است به نفع جامعه نباشد راه‌حلی پیدا خواهند کرد. بنابراین سیاست‌های فرهنگی باید با در نظر گرفتن ذوق و عادات مردم موجب زمینه‌سازی لازم برای گذران اوقات فراغت و هدایت آنان به انتخاب آزادانه آن باشد. یکی از مشکلات جوامع فعلی فراهم آوردن وسایل تفریحات سالم و کافی است، با این که فقدان وسایل تفریحی به هیچ وجه علت منحصر به فرد کجروی نیست اما به عنوان یکی از عوامل آن محسوب می‌شود (ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۰). تحقیقات متعدد نشان داده است که رواج انواع فراغت‌های آسیب‌زا در بسیاری از کشورها از نداشتن امکانات مناسب تفریحی، آگاهی نداشتن، نداشتن برنامه صحیح و نیز سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی نادرست نشأت گرفته و موجب شده تا بسیاری از نوجوانان و جوانان به سوی فعالیت‌ها و تفریحات ناسالم کشیده شوند. طبق بررسی‌های جامعه‌شناسان بروز بزهکاری‌ها و کجروی‌ها در اوقات فراغت بیش از اوقات کار است، پس باید اوقات فراغت برای مردم طوری طراحی شود تا از بروز موارد آسیب‌زا جلوگیری کند. پژوهش‌های انجام شده در ایران حاکی از آن است که بسیاری از انحرافات در میان جوانان نتیجه فقدان برنامه‌ریزی صحیح در گذران اوقات فراغت بوده است (سلگی ۱۳۸۲؛ رفعت‌جاه ۱۳۸۷؛ کاظمی ۱۳۸۷). هزار جریبی و عین‌الدین ارفعی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی اوقات فراغت و سلامت اجتماعی» پرداخته‌اند و نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که میزان رضایت از اوقات فراغت و همچنین گذران اوقات فراغت با فعالیت‌های اجتماعی و عملی-جسمانی بر سلامت اجتماعی افراد تأثیر مثبتی دارد. رضوی و پسرکلو (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت بانوان شاغل شهر آمل با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی» نشان می‌دهد، بین ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و گذران اوقات فراغت ورزشی رابطه وجود دارد. مدنی و اذانی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی مراکز گذران اوقات فراغت زنان در مناطق ۵ و ۶ اصفهان با استفاده از مدل‌های عوامل استراتژیک و SWOT» پرداخته‌اند. از یافته‌های پژوهش می‌توان به مواردی همچون عدم احساسات رضایت‌مندی زنان از نحوه گذران اوقات فراغت خود و عملکرد نسبتاً مطلوب خدمات رسانی این مراکز در این دو منطقه اشاره نمود. از نظر موقعیتی مراکز و مکان‌های گذران اوقات فراغت زنان در هر دو منطقه تقریباً در مرکز مناطق استقرار یافته، به گونه‌ای که دسترسی به آن مطلوب و جهت استفاده مناطق دورتر از مراکز منطقه نامطلوب می‌نماید، در ضمن بعضی از این مناطق از نظر کالبدی و ساختمانی با استانداردهای جهانی تطابق نداشته و این امر در ایجاد امنیت روحی-روانی و اجتماعی زنان مؤثر است کمبود پلیس زن، عدم وجود پارکینگ، عدم مدیریت زنان در مراکز خاص که فقط زنان می‌توانند از آن‌ها استفاده نمایند و محدودیت‌های توسعه مکانی این مراکز از دیگر نتایج به دست آمده است. در خاج از ایران، ایستر و همکاران^۲ (۲۰۰۸)، در تحقیقی تحت عنوان «چگونگی ارتباط وضعیت اقتصادی اجتماعی با شرکت در فعالیت‌های فیزیکی اوقات فراغت» به این نتایج دست یافتند که بین درآمد اشخاص با چگونگی گذران اوقات فراغت آنها رابطه وجود دارد از این رو سطح اقتصادی اجتماعی بالاتر دسترسی راحت‌تر و بهتری را برای ورزش کردن و فضاهای تفریحی و سرگرمی و سطح امنیت و آرامش بالاتر و زیبایی‌ها و حتی تعداد بیشتری از منابع برای استفاده از فعالیت فیزیکی در نظر گرفته شده است. جورج موتا و همکاران^۳ (۲۰۱۱)، در پژوهش خود به این نتایج

1- Dumazedier

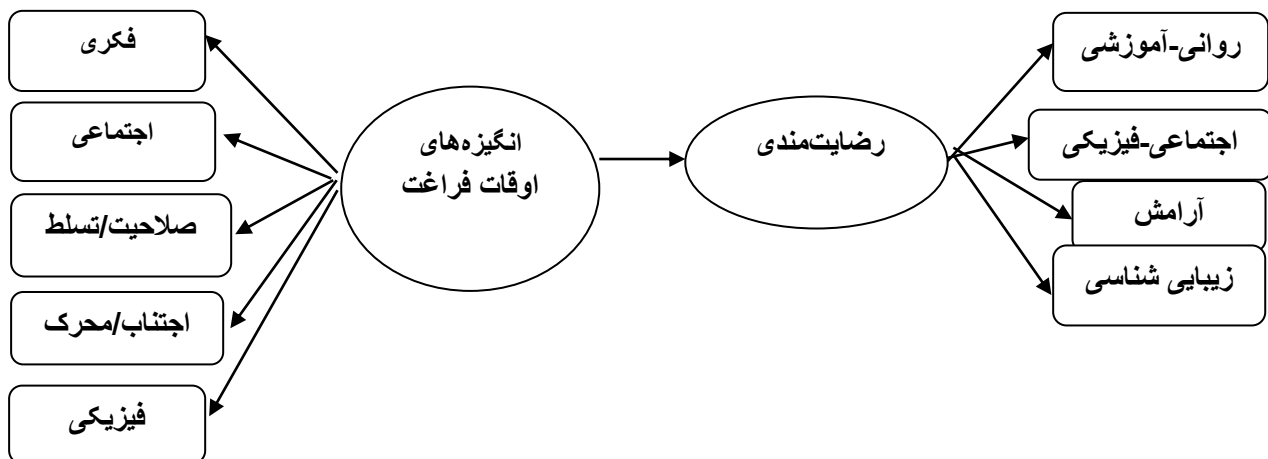
2 Ester and et al

3 Mota and et al

دست یافتند که دختران بیشتر به وظایف و فعالیت‌های هنری شخصی در طول اوقات فراغت اهمیت می‌دادند، در حالی که پسران بیشتر درگیر ورزش، کامپیوتر و تماشای تلویزیون بوده‌اند. سیتسیلونی و همکاران^۴ (۲۰۱۲)، با استفاده از MUSA^۵ به بررسی رضایت گردشگران و شناسایی نقاط ضعف و قوت خدمات گردشگری در جزیره‌ای در دریای اژه پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که شهرت و زیبایی طبیعی جزیره به عنوان نقاط قوت مطرح شد. نقاط ضعف هم مدت زمان کم اقامت و سطح رضایت پایین از کیفیت خدمات خاص مانند حمل و نقل محلی، اطلاعات و محیط زیست بود. کیفیت خدمات به عنوان عامل تعیین‌کننده اصلی برای رضایت گردشگران در نظر گرفته شد. از آنجایی که رضایت از زندگی یکی از با سابقه‌ترین تحقیقات در مطالعات علوم اجتماعی در زمینه توسعه انسانی است (مانل و داپوس، ۱۹۹۶) و متغیرهای زیادی وجود دارند که در رضایت از زندگی سهم دارند. یکی از این متغیرها که در تحقیقات مربوط به رضایت از زندگی سهم به‌سزایی دارد، رضایت از گذراندن اوقات فراغت است (لندن، کراندال و سیلز، ۱۹۹۷؛ کلا، ۱۹۸۳؛ راسل، ۱۹۸۷؛ براون و فرانکل، ۱۹۹۳). پیامدهای عدم رضایت از گذراندن اوقات فراغت، باعث کم‌رنگ شدن تعهد فرد به ارزش‌ها می‌شود و منشاء بسیاری از نابه‌هنجاری‌های اجتماعی است، ضرورت بررسی این موضوع و ارائه راه‌حل‌ها برای آن در حیطه موضوعات جامعه‌شناختی قرار می‌گیرد. منطقه ده تهران، یکی از مناطق قدیمی شهر تهران است و نظر به تراکم بالای جمعیت این منطقه و کمبود امکانات برای گذراندن اوقات فراغت مردم منطقه ده تهران، بر این اساس محقق، در پی بررسی میزان رابطه انگیزه‌های اوقات فراغت در بین مردم این منطقه و میزان رضایت‌مندی آنان از نحوه گذراندن اوقات فراغت خود در این پژوهش می‌باشد.

چارچوب نظری تحقیق

از دید نظریه پردازان، انگیزه‌های اوقات فراغت یک متغیر اثر گذار بر نگرش، رفتار و رضایت‌مندی افراد در جامعه است. مطالعات گویای تأثیر بسیاری از مؤلفه‌های این دو مفهوم بر یکدیگر و ارتباطات مستقیم و غیر مستقیم آنان است. پژوهش حاضر به لحاظ نظری به بررسی ارتباط بین دو متغیر انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت افراد و رضایت‌مندی آنان می‌پردازد. مدل مفهومی پژوهش مورد نظر مبین تأثیرگذاری انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت بر رضایت‌مندی افراد از گذراندن اوقات فراغت از طریق مؤلفه‌های این دو متغیر و برگرفته از مؤلفه‌های انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت ارائه شده توسط پرد و راغب (۱۹۸۳) و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت ارائه شده توسط پرد و راغب (۱۹۸۰) می‌باشد. بنابراین می‌توان ساختار کلی پژوهش را مطابق با نمودار زیر ترسیم نمود:



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش بر اساس مطالعه پرد و راغب^۶ (۱۹۸۳) و (۱۹۸۰)

⁴ Sitsiloni and et al

⁵ Machines Multi Spindle Machines رضایت مدل تحلیل چند متغیره رضایت

1 Beard & Ragheb

روش‌شناسی تحقیق

از آن جایی که پژوهش مورد نظر قصد توسعه دانش افراد و مدیران جهت شناخت میزان رضایت‌مندی مردم از گذراندن اوقات فراغت و عوامل مؤثر بر آن و تعیین راهکارهایی به‌منظور ارتقاء میزان رضایت آنان را دارد، از منظر هدف در شاخه پژوهش‌های کاربردی به‌شمار می‌آید. با در نظر گرفتن محتوای موضوع و از آن جایی که در پژوهش مورد نظرمان، شرایط و پدیده‌های موجود آن‌طور که هست مورد بررسی و توصیف قرار گرفته‌اند، روش پژوهش از نوع توصیفی می‌باشد. همچنین نظر به هدف اصلی پژوهش که بررسی رضایت‌مندی مردم از گذراندن اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن در بین ساکنین منطقه ده تهران و ارزیابی کم و کیف آن می‌باشد، به لحاظ ارتباط بین متغیرها این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی^۷ به‌شمار می‌آید و از لحاظ زمان جمع‌آوری اطلاعات، از نوع مقطعی- عرضی^۸ خواهد بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنین منطقه ده تهران می‌باشد که طبق اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، ۳۰۲/۸۵۲ نفر در این منطقه ساکن هستند که از این تعداد، ۱۵۰/۰۵۰ نفر مرد و ۱۵۲/۸۰۲ نفر زن می‌باشند. ۲۳/۸۶ درصد جمعیت این منطقه متعلق به جوانان (بین ۱۹ تا ۲۴ سال) و ۸۶/۱۲ درصد کل جمعیت با سواد می‌باشند. نظر به این که ساکنین منطقه ده تهران (که تقریباً پایگاه اجتماعی- اقتصادی یکسانی دارند) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، می‌توان پذیرفت که واحدهای جامعه همگن بوده و تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها وجود ندارد. لذا بهترین روش نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری تصادفی ساده است و حجم نمونه موردنیازمان بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد. برآورد گردید. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش از دو روش روش کتابخانه‌ای، جهت تدوین ادبیات و بخش‌های نظری پایان‌نامه، به‌خصوص بخش‌های مربوط به پیشینه و مبانی نظری^۹، استفاده شده است و روش میدانی که، در این پژوهش با طراحی پرسشنامه و توزیع آن بین افراد نمونه، اطلاعات مورد نیاز در خصوص موضوع جمع‌آوری شده اند. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش میدانی نیز، پرسشنامه می‌باشد. پرسشنامه مورد استفاده، از ترکیب پرسشنامه استاندارد انگیزه‌های اوقات فراغت برد و راغب (۱۹۸۳) و پرسشنامه استاندارد رضایت‌مندی از اوقات فراغت برد و راغب (۱۹۸۰) تحت نظر راهنمایی‌های استاد محترم راهنما تهیه و تنظیم شده است. چون سؤالات پرسشنامه مورد نظر پژوهش، برگرفته از پرسشنامه استاندارد است، بنابراین سؤالات پرسشنامه از اعتبار محتوایی لازم برخوردار است. سپس، برای ارزیابی پایایی از تکنیک آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی پرسشنامه در قالب پیش‌آزمون^{۱۰} بهره گرفته شده است و میزان ضریب اعتماد برای سؤالات پرسشنامه، با استفاده از این روش ۰/۷۵۹ تأیید گردید که این موضوع بیان‌گر ثبات و همسانی درونی پرسشنامه می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از روش‌های آماری مختلف استفاده شده است. برای این منظور و متناسب با نیاز آمار تحلیلی، از نرم‌افزار آماری SPSS، در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

طبق یافته‌های جمعیت‌شناختی استخراج شده از پرسشنامه‌ها، ۵۱/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان (معادل با ۱۹۳ نفر) را مردان و ۴۸/۹ درصد (معادل ۱۸۵ نفر) از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. به لحاظ وضعیت تاهل، ۵۳/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان (معادل با ۲۰۰ نفر) مجرد و ۳۸/۵ درصد از آنان (معادل با ۱۴۸ نفر) متأهل هستند و تنها ۷/۴ درصد از آنان (معادل با ۲۸ نفر) مُطَلَّقه هستند که بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۶۷/۷ درصد) فاقد فرزند می‌باشند. همچنین تقریباً ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای یک فرزند هستند و تنها ۱/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای پنج فرزند هستند. به لحاظ ساختار سنی، بیشتر افراد تحت نمونه‌گیری (۴۳/۵ درصد) بین ۲۰ تا ۳۰ سال سن دارند. همچنین ۳۴/۴ و ۱۵/۱ درصد از آنان به‌ترتیب بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۰ تا ۵۰ سال سن دارند و تنها ۶/۴ درصد از آنان (معادل با ۲۴ نفر) بالای ۵۰ سال سن دارند. از نظر میزان تحصیلات نیز، ۴۳ نفر دارای تحصیلات زیر دیپلم و ۱۹۵ نفر دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم هستند که نیمی از پاسخ‌دهندگان را در بر می‌-

2 Correlation

3 Cross - Sectional

9 Research Literature Review

10 Pre-Test

گیرد. همچنین تقریباً ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی هستند و ۱۲ درصد از آنان (معادل با ۴۵ نفر)، دارای تحصیلات تکمیلی هستند. در خصوص، میزان درآمد بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۶۲ درصد)، زیر یک میلیون تومان درآمد دارند. همچنین ۲۶/۲ درصد از افراد (معادل با ۹۸ نفر) بین یک تا دو میلیون تومان و تنها ۱۱/۸ درصد از آنان (معادل با ۴۴ نفر) بیش از دو میلیون تومان درآمد دارند.

پس از بررسی اجمالی ویژگی‌های دموگرافیک نمونه مورد مطالعه، به منظور بررسی رابطه بین انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت مردم منطقه ده تهران و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن استفاده شده است.

فرضیه اصلی: بین انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت مردم منطقه ده تهران و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای انگیزه‌های اوقات فراغت و رضایت از گذراندن اوقات فراغت

| انگیزه‌های اوقات فراغت | رضایت از گذراندن اوقات فراغت | |
|------------------------|------------------------------|--|
| ۰/۷۴۰ | ضریب همبستگی اسپیرمن | |
| ۰/۰۰۰ | Sig. (2-tailed) | |
| ۳۸۴ | تعداد | |

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۱، ضریب همبستگی بین متغیرهای انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت برابر با $(r=0/740)$ به دست آمده که این ضریب در سطح معنی‌داری ۱ درصد از نظر آماری معنی‌دار است؛ زیرا مقدار احتمال آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن، برابر با صفر $(Sig=0/000)$ محاسبه شده که از عدد $0/01$ کمتر است. بنابراین فرض صفر این آزمون در سطح معنی‌داری ۱ درصد رد شده و فرض مقابل مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت تأیید می‌گردد. از آنجایی که ضریب همبستگی اسپیرمن، مثبت و تقریباً بزرگ (نزدیک به ۱) است، می‌توان گفت بین انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت مردم منطقه ده تهران و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، رابطه نسبتاً قوی و در جهت مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت هر فرد، میزان رضایت‌مندی وی از گذراندن اوقات فراغت نیز بیشتر خواهد شد و بالعکس.

فرضیه فرعی اول: بین انگیزه‌های فکری گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۲: ضریب همبستگی اسپیرمن بین انگیزه‌های فکری و رضایت از گذراندن اوقات فراغت

| انگیزه‌های فکری | رضایت از گذراندن اوقات فراغت | |
|-----------------|------------------------------|--|
| ۰/۵۶۲ | ضریب همبستگی اسپیرمن | |
| ۰/۰۰۰ | Sig. (2-tailed) | |
| ۳۸۴ | تعداد | |

در ارتباط با فرضیه فرعی اول پژوهش، نتایج آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن در جدول ۲ نشان داده شده است. نظر به این که مقدار احتمال دوطرفه محاسبه شده در سطر دوم این جدول، از عدد $0/01$ کمتر است، فرض صفر آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن مبنی بر عدم وجود وابستگی بین انگیزه‌های فکری گذراندن اوقات فراغت مردم منطقه ده تهران و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت در سطح معنی‌داری ۱ درصد رد می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، ضریب همبستگی اسپیرمن برابر با $(r=0/562)$ به دست آمده است. این عدد گویای این مطلب است که بین انگیزه‌های فکری گذراندن اوقات فراغت و رضایت‌مندی افراد از گذراندن اوقات فراغت، ارتباط معناداری در جهت مستقیم وجود دارد؛ یعنی هرچه انگیزه‌های فکری

گذراندن اوقات فراغت در ساکنین منطقه ده تهران ارتقاء یابد، به تبع آن سطح رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت نیز بالا خواهد رفت و بالعکس.

فرضیه فرعی دوم: بین انگیزه‌های اجتماعی گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۳: ضریب همبستگی اسپیرمن بین انگیزه‌های اجتماعی و رضایت از گذراندن اوقات فراغت

| انگیزه‌های اجتماعی | رضایت از گذراندن اوقات فراغت | |
|--------------------|------------------------------|--|
| ۰/۵۰۲ | ضریب همبستگی اسپیرمن | |
| ۰/۰۰۰ | Sig. (2-tailed) | |
| ۳۸۴ | تعداد | |

طبق خروجی حاصل از جدول ۳، مقدار احتمال این آزمون برابر با صفر ($\text{Sig}=0/000$) به‌دست آمده است. بنابراین فرض صفر آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن، رد می‌شود و ضریب همبستگی بین انگیزه‌های اجتماعی گذراندن اوقات فراغت افراد و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت از نظر آماری معنادار است. این ضریب ($r=0/502$) به‌دست آمده که مثبت بودن آن حاکی از وجود ارتباط مثبت و در جهت مستقیم بین انگیزه‌های اجتماعی و میزان رضایت از گذراندن اوقات فراغت است. لذا اگر انگیزه‌های اجتماعی (که یکی از مؤلفه‌های انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت است) در افراد بیشتر شود، سطح رضایت از گذراندن اوقات فراغت نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه فرعی سوم: بین انگیزه‌های صلاحیت/تسلط گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی اسپیرمن بین انگیزه‌های صلاحیت/تسلط و رضایت از گذراندن اوقات فراغت

| انگیزه‌های صلاحیت/تسلط | رضایت از گذراندن اوقات فراغت | |
|------------------------|------------------------------|--|
| ۰/۵۲۷ | ضریب همبستگی اسپیرمن | |
| ۰/۰۰۰ | Sig. (2-tailed) | |
| ۳۸۴ | تعداد | |

بر طبق یافته‌های جدول ۴، ضریب همبستگی بین انگیزه‌های صلاحیت/تسلط و رضایت از گذراندن اوقات فراغت در سطح تشخیص ۱ درصد، معنادار است. همچنین از آن جایی که این ضریب برابر با ($r=0/527$) به‌دست آمده است، می‌توان ادعا داشت که بین انگیزه‌های صلاحیت/تسلط گذراندن اوقات فراغت افراد مورد بررسی و میزان رضایت آنان از گذراندن اوقات فراغت، رابطه‌ای مثبت و در جهت مستقیم وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین انگیزه‌های اجتناب/محرک گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی اسپیرمن بین انگیزه‌های اجتناب/محرک و رضایت از گذراندن اوقات فراغت

| انگیزه‌های اجتناب/محرک | رضایت از گذراندن اوقات فراغت | |
|------------------------|------------------------------|--|
| ۰/۴۷۹ | ضریب همبستگی اسپیرمن | |
| ۰/۰۰۰ | Sig. (2-tailed) | |
| ۳۸۴ | تعداد | |

طبق نتایج بدست آمده از جدول ۵، عددی که در سطر دوم این جدول مشاهده می‌شود، مقدار احتمال این آزمون ($\text{Sig}=0/000$) را نشان می‌دهد که چون کمتر از ۱ درصد است، فرضیه صفر این آزمون در سطح معنی‌داری ۱ درصد رد می‌شود و فرض مقابل آن مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های اجتناب/محرک گذراندن اوقات فراغت و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت تأیید می‌شود. ضریب همبستگی بین انگیزه‌های اجتناب/محرک و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت

($r=0/479$) به دست آمده که بر وجود ارتباط مثبت و مستقیم بین این دو متغیر دلالت دارد؛ یعنی هرچه انگیزه‌های اجتناب/محرک افراد مورد بررسی بیشتر شود، میزان رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت نیز بیشتر خواهد یافت. **فرضیه فرعی پنجم:** بین انگیزه‌های فیزیکی گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

جدول ۶: ضریب همبستگی اسپیرمن بین انگیزه‌های فیزیکی و رضایت از گذراندن اوقات فراغت

| انگیزه‌های فیزیکی | رضایت از گذراندن اوقات فراغت | |
|-------------------|------------------------------|--|
| ۰/۵۹۵ | ضریب همبستگی اسپیرمن | |
| ۰/۰۰۰ | Sig. (2-tailed) | |
| ۳۸۴ | تعداد | |

بر طبق یافته‌های این جدول، ضریب همبستگی بین انگیزه‌های فیزیکی گذراندن اوقات فراغت و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت در سطح تشخیص ۱ درصد، معنادار است. همچنین از آن جایی که این ضریب برابر با ($r=0/595$) به دست آمده است، می‌توان اذعان داشت که بین انگیزه‌های فیزیکی گذراندن اوقات فراغت افراد تحت بررسی و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، رابطه‌ای مثبت و در جهت مستقیم وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو، با هدف بررسی رابطه بین انگیزه‌های اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن آن در منطقه ده تهران انجام شد. در این راستا یک فرضیه اصلی و ۵ فرضیه فرعی طراحی و مورد بررسی قرار گرفت. با عنایت به این‌که مسأله اصلی پژوهش بررسی رضایت‌مندی مردم از گذراندن اوقات فراغت است، نتایج حاصل از آزمون فرضیات اصلی و فرعی پژوهش، مؤید تأیید کلی روابط مورد فرض پژوهش می‌باشد. به عبارت دیگر شواهدی بر رد فرضیه‌های پنج‌گانه مبنی بر رابطه انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت (فکری، اجتناب/محرک، اجتماعی، صلاحیت/ تسلط، فیزیکی) با رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت در این تحقیق یافت نشد.

نتایج مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت مردم منطقه ده تهران و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، مورد تأیید قرار گرفت. دلیل این امر این است که وجود انگیزه در فرد، احساس خوشایندی نسبت به انجام فعالیت‌های اوقات فراغت در وی ایجاد می‌کند. در نتیجه با رضایت بیشتری به فعالیت‌های اوقات فراغت خود می‌پردازد. در بررسی فرضیه فرعی اول، مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های فکری گذراندن اوقات فراغت و رضایت‌مندی از گذراندن اوقات فراغت، مورد تأیید قرار گرفت. دلیل این مسأله این است که افراد با انگیزه‌های فکری بالا، توانایی شناسایی احساسات خود و درک تأثیر آن‌ها، شناخت نقاط قوت و محدودیت‌های خویش و درک مناسب از ارزش‌ها و توانایی‌های فردی را دارند و این موضوع خودآگاهی‌های عاطفی، دقت در خودارزیابی و اعتماد به نفس را به گونه‌ای در آن‌ها تقویت می‌کند که باعث توسعه روش‌های ارتباطی مناسب با دیگران، کنترل مناسب رفتار، دوستی با شرایط مختلف و در نتیجه ارتقاء سطح رضایت‌مندی از انجام فعالیت‌های اوقات فراغت به صورت فردی یا اجتماعی شوند. به عبارت دیگر فردی که از انگیزه‌های فکری بالایی برخوردار است، توانایی بیشتری در استفاده از ویژگی‌های درونی و فردی در تعاملات مثبت رفتاری برای سپری کردن بهتر فعالیت‌های اوقات فراغت خود خواهد داشت.

یافته‌های پژوهش ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که فرضیه فرعی دوم پژوهش، مبنی بر وجود انگیزه‌های اجتماعی گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. دلیل این امر می‌تواند این باشد که افراد با انگیزه‌های اجتماعی، قادرند هیجانات و تنش‌های مخرب را مهار کنند، صداقت، همبستگی و وفاداری خود را نسبت به افراد نشان دهند، در برخورد با افراد از خود انعطاف نشان دهند، مسئولیت عملکرد فردی را در اجتماع بپذیرند، عواطف و دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، نیازهای دیگران را برای گذراندن اوقات فراغت شناسایی کنند، و از فرصت‌ها نهایت

استفاده را ببرند. انگیزه‌های اجتماعی مهارت‌های خود کنترلی، خلوص، سازگاری، همدلی و ابتکار عمل را در آن‌ها به‌گونه‌ای افزایش می‌دهد که فرد با نقش خود در اجتماع انس گرفته و با نشان دادن قابلیت‌های خود در جمع، از انجام فعالیت‌های اوقات فراغت در اجتماع رضایت بیشتری داشته باشد. تعاملات و روابط اجتماعی باعث می‌شوند که فرد خود را جزء جامعه بداند و نسبت به آن احساس تعلق خاطر کند و احساس کند که جامعه برای او به‌عنوان یک شهروند ارزش و اهمیت قائل است.

فرضیه فرعی سوم پژوهش نیز، مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های صلاحیت/تسلط گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت، مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه حاصل را این‌گونه می‌توان تبیین نمود که افراد با انگیزه‌های صلاحیت/تسلط بالا می‌توانند عواطف و دیدگاه‌های خود را مطرح کنند، روندهای عاطفی گروه و روابط قدرت را بفهمند و در نتیجه توانایی همدلی و هوشیاری در آن‌ها بسیار زیاد خواهد بود. این وضعیت باعث می‌شود که ضمن این‌که از منافع و مزایای دیگران با خبر باشند، تعهد کافی به زمینه‌سازی برای تحقق کارآیی و اثر بخشی فردی نیز داشته باشند و تحقق این امر نیز رضایت‌مندی افراد را از انجام فعالیت‌های اوقات فراغت را به‌همراه خواهد داشت.

فرضیه فرعی چهارم پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های اجتناب/ محرک گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت مورد تأیید قرار گرفت. افراد با انگیزه‌های اجتناب/ محرک، غالباً این قابلیت را دارند که توانایی دیگران از طریق بازخورد تقویت بخشند، افراد را هدایت کرده و در آنان ایجاد انگیزه کنند، تاکتیک‌های اثر بخش برای متقاعدسازی افراد به کار برند، روابط مؤثر و مثبت را پرورش دهند و با افراد از طریق اهداف مشترک فعالیت کنند، در نتیجه قابلیت‌های توسعه توانایی‌های دیگران، رهبری ارتباطات، واکنش به‌تغییرات، مدیریت تعارض، کار گروهی و تشریح مساعی در این افراد بسیار بارز است. چنین ویژگی‌هایی به‌طور مؤثر، این افراد را برای انجام فعالیت‌های اوقات فراغت بر می‌انگیزد و به ارتقاء سطح رضایت‌مندی آنان نسبت به فعالیت‌های اوقات فراغت نیز منجر می‌شود.

در نهایت فرضیه فرعی پنجم پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار بین انگیزه‌های فیزیکی گذراندن اوقات فراغت مردم و رضایت‌مندی آنان از گذراندن اوقات فراغت مورد تأیید قرار گرفت. سبک‌ها و انگیزه‌های گذراندن اوقات فراغت به‌صورت اجتماعی و فیزیکی/ جسمانی از آن جایی که فرد را در یک پُروسه و فرایند روابط اجتماعی گروهی و پویایی قرار می‌دهند و عامل مهمی در گسترش و افزایش تعاملات اجتماعی فرد می‌باشند، باعث بالا رفتن میزان رضایت فرد از انجام فعالیت‌های اوقات فراغت نیز می‌شود. فعالیت‌های گروهی/ اجتماعی و فیزیکی/ جسمانی باعث می‌شوند که افراد در گروه و جامعه مسئولیت‌هایی را به‌عهده بگیرند و بر این اساس جامعه و فعالیت‌های گروهی برای فرد مهم تلقی شود؛ زیرا برای این فعالیت‌ها و تلاش‌ها انرژی و هزینه و وقت صرف کرده است و به‌همین دلیل نتایج آن‌ها نیز برای فرد اهمیت خواهد داشت و این فرایند باعث ارتقاء سطح رضایت وی خواهد شد.

منابع

- ابراهیم‌پور، حبیب و روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر در گردشگری براساس انتظارات و ادراکات گردشگران و مدل تحلیل شکاف (مطالعه موردی: منطقه سرعین اردبیل)، فصلنامه مدیریت بازرگانی، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱-۲۲.
- رضوی، سید محمد حسین و پسرکلو، اعظم (۱۳۹۲)، چگونگی گذران اوقات فراغت بانوان شاغل شهر آمل با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی، نشریه مدیریت و فیزیولوژی ورزشی شمال، دوره اول، صص ۳۳-۳۸.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷). بررسی الگوهای فراغتی دانشجویان خوابگاهی در دانشگاه تهران، تهران، معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سلگی، محمد، بهرام صادق پور و همکاران (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان، گزارش ملی جوانان، تهران، اهل قلم (۱۳۸۲).
- مدنی، بهناز و اذانی، مهری (۱۳۹۰)، بررسی مراکز گذران اوقات فراغت زنان در مناطق ۵ و ۶ اصفهان با استفاده از مدل‌های عوامل استراتژیک و SWOT، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۷-۱۳۰.

هزار جریبی، جعفر و ارفعی عین الدین، رضا (۱۳۹۰)، اوقات فراغت و سلامت اجتماعی، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۰.

هزار جریبی، جعفر و صفری شالی (۱۳۹۱)، آناتومی رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات جامعه و فرهنگ هریس.

Ester Cerin, Eva Lesie (2008), How socio-economic status contributes to participation in leisure-time physical activity, *Social Science & Medicine* 66 (2008) 2596-2609.

Jorge Mota, Maria Paula Santos, and José Carlos Ribeiro.(2011), Differences in Leisure-Time Activities According to Level of Physical Activity in Adolescents. *Preventive medicine*, N 20, P.133-148.

Keller, M. J. (1983). The relationship between leisure and life satisfaction among older women. Paper presented at the meeting of the National Recreation and Park Association, Kansas City, MO.

Mannell, R. C., & Dupuis, S. (1996). Life satisfaction. In J. E. Birren (Ed.), *Encyclopedia of gerontology: Age, aging, and the aged* (pp. 59-64). Los Angeles, CA: Center on Aging.

Russell, R. V. (1987). The importance of recreation satisfaction and activity participation to the life satisfaction of aged-segregated retirees. *Journal of Leisure Research*, 19 (4), 273-283.

Sitsiloni, M., Grigorodis, E. & Constantin, Z; .(2012). Service Quality Evaluation in the Tourism Industry: A SWOT Analysis Approach. Department of Production Engineering & Management Technical University of Crete.